

نقش رشته های علمی علوم تربیتی و روانشناسی در تولید علم

اویس نظری

لیسانس مدیریت امور اداری و منابع انسانی، کارمند دانشگاه فرهنگیان استان گلستان

فاطمه جعفری آلوستانی

معلم آموزش و پرورش شهرستان علی آباد کتول

چکیده

در عصر حاضر، توجه به تولید و مصرف علم، در نتیجه توسعه روز افزون جامعه توسط تحقیقات علمی، هر روز از اهمیت بیشتری برخوردار میشود. پژوهش پیرامون عوامل موثر بر تولید علم میتواند یاری رسان حاکمیتها، برای طراحی برنامههای ساختارمند توسعه در سطح کلان راه را برای رسیدن به توسعه پایدار کشور باشد. قطعاً تولید علم در رشتههای علوم تربیتی و روانشناسی هم ارزش باقی تولیدات علمی به شمار میرود. شناسایی نقش رشتههای علوم تربیتی و روانشناسی در تولید علم، هدف اصلی این پژوهش میباشد. لذا این پژوهش، برای رسیدن به این هدف و با روش جمع آوری دادهها با بهرهگیری از منابع مطالعاتی، از جمله مقالات معتبر بین المللی و داخلی با رویکرد ترویجی و با اهداف کاربردی شکل گرفت. از یافتههای این پژوهش، چنین نتیجهگیری شد که رشتههای علوم تربیتی و روانشناسی (از سه طریق)) تاثیر بر فرهنگ تولید و مصرف دانش، تاثیر بر فرهنگ جامعه برای مشارکت همه افراد در تولید دانش و توسعه ظرفیت شخصیتی روانی و اجتماعی افراد و گروهها توسط متخصصان رشته های فوق((در تولید علم نقش دارند. در آخر، برای حرکت از وضع موجود فعلی تولید دانش در رشته های علوم تربیتی و روانشناسی و رسیدن به وضع مطلوب مستلزم تدوین راهبردهای بلندمدت و برنامه ریزیهای گسترده در این راستا می باشد.

واژگان کلیدی: علم، تولید علم، علوم تربیتی، روانشناسی

مقدمه

برای بسیاری جهانی شدن بیانگر دگرگونیها و پیشرفتهای علم و فناوری است. مواردی از قبیل پیشرفت در تولید انواع فناوریهای نوین اطلاعاتی، در تولید علم و همکاریهای علمی دانشمندان و همچنین به وجود آمدن انواع نظامهای استنادی جهانی، منطقهای و ملی و شیوههای رتبهبندی دانشمندان، نشریات، دانشگاهها و کشورها، شاهدهی بر این مدعا است. علاوه بر این انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات، موجب گردیده است که ارتباط میان مردم و جوامع مختلف به سادگی امکان پذیر گردد. از این منظر جهانی شدن با انقلاب علمی و دانستههای جدید مرتبط است (دانش و همکاران، 1392).

تولید علم، اساس دانایی و دانایی اساس توانایی است. تولید علم و دانایی، تنها از طریق تحقیق و پژوهش و نوشتن حاصل می شود و فقط توسعه مبتنی بر دانایی و علمگرایی یک توسعه پایدار است که در آن یک اقتصاد پویا دنبال می شود (گدازگر و همکاران، 1385).

در جهانی که علم و فناوری به یک سری از قدرت سیاسی و اقتصادی تبدیل شده توانایی به کارگیری علم برای شکوفایی و توسعه جامعه و توجه به تحقیقات علمی کارآمد روز به روز جدی تر شده و یک اصل مسلم و قطعی برای توسعه پایدار به شمار میرود. مطالعه عوامل موثر بر تولید علم می تواند برنامه ریزان کشور را با تحلیل عمیق و علمی موانع موجود بر سر راه تولید علم آشنا سازد تا آنها برای طراحی برنامه های مدون توسعه در سطح کلان راه را برای رسیدن به توسعه پایدار کشور رهنمون سازد (معمار، ۱۳۸۳).

افزایش تولیدات علمی، در سطح بین المللی یکی از شاخص های ارزیابی کشورها در دنیای امروز است (میرحسینی و همکاران، 1390). گسترش روز افزون دانش و فناوری در دهه های اخیر، مهمترین محور توسعه و رشد کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بوده و جایگاه ویژه ای در برنامه های توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی داشته است. از سوی دیگر موجب کاهش وابستگی و سلطه پذیری شده است. از همه مهمتر موجب بالا بردن استانداردهای زندگی و افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات تولیدات علمی و فناوری شده است (عمل نیک، ۱۳۸۳). متناسب سازی تولید علم با نیازهای بخش های مختلف هر کشوری، از خصوصیات جهان امروز است که می تواند به پایداری آن کشور منجر شود (مهدی دهقانی، 1386).

رشته های علوم تربیتی و روانشناسی نقش مهمی در تولید علم دارند. بررسی ها نشان می دهند که علوم تربیتی به عنوان یک رشته تحصیلی، از جوانب مختلفی از جمله فلسفه، روانشناسی، جامعه شناسی، آمار، اقتصاد و مدیریت الهام می گیرد و در توسعه مفاهیم و فرآیندهای آموزشی و تربیتی نقش اساسی دارد همچنین، بررسی ها نشان می دهند که روانشناسی نیز در تحلیل و بررسی تولید علم با تاکید بر تعالیم مشاوره ای قرآن و علوم تربیتی مورد توجه قرار می گیرد. از این رو، می توان گفت که این دو رشته با ارتباط نزدیک خود، به تولید علم و توسعه مفاهیم علمی کمک می کنند.

بیان مسئله

این مطالعه با این فرضیه صورت میگیرد که توانمندی توسعه و استقلال واقعی کشورها رابطه مستقیم با توانایی آنها در تولید علم دارد و توسعه علمی نیز بر رونق و پیشرفت فناوری تاثیر مثبت دارد و فناوری از لوازم زیست انسان معاصر محسوب میشود. با وجود این، آنچه کیفیت زندگی بشر را در دنیای پیچیده صنعتی تضمین میکند؛ توجه به تربیت و داشتن اخلاق و معنویت است. پیشرفت علمی به تنهایی ضامن توسعه همه جانبه انسانی نیست، بلکه التزام به ابعاد معنوی و اخلاقی و تلاش برای رشد جنبههای معنوی انسان در کنار پیشرفت علمی سعادت دنیوی و اخروی را همراه خواهد داشت (مهدی دهقانی، ۱۳۸۶).

از سویی هم اکنون سالانه ده ها هزار مقاله علمی به فارسی و انگلیسی، در کشور تولید می شود و در مقایسه با دهه گذشته ، میزان نشریات و مقاله های علمی – پژوهشی چندین برابر شده است. اما آیا واقعا با همین نسبت تولید علم واقعی در کشور رشد کرده است (صادقی و همکاران ، ۱۳۹۱).

این تماما یک پژوهشی است که نقش آموزش و پرورش در تولید علم را بررسی می کند. این پژوهش بر رویکرد سند تحول بنیادین است و روش پژوهش به روش توصیفی تحلیلی انجام می شود. این پژوهش به این منظور نیست که نقش رشته های علمی علوم تربیتی و روانشناسی در تولید علم را بررسی کند، بلکه این پژوهش بر اساس نقش آموزش و پرورش در تولید علم به کار می رفت.

اگر شما به نقش علوم تربیتی و روانشناسی در تولید علم به ازای علمی یا تکنولوژی هوشیار هستید، از اطلاق پژوهش و منابع ذکر شده در این مورد برای بیشتر اطلاعات و نتایج پژوهشی استفاده کنید. این منابع برای شما یک جواب به سوال های زیادی در مورد نقش علوم تربیتی و روانشناسی در تولید علم ارائه می کنند.

علم بدون اخلاق و معنویت اگر هم پیشرفت کند، نتیجه آن بر ضد انسان عمل خواهد کرد. موضوع پیوند یا جدایی علم از اخلاق و دین موضوعی حل شده است و صاحب نظران مناطق غربی و شرقی متفقاً بر این اصل معتقدند که توسعه علمی بدون توسعه انسانی میسر نمی باشد (مهدی دهقانی، ۱۳۸۶).

اهمیت و ضرورت تحقیق

در تحولات چند دهه اخیر به ویژه در کشورهایی که توانستند از نظر علوم در زمره کشورهای توسعه یافته محسوب شوند و یا در مراحل انتقال قرار گیرند، توجه به تولید علم و به ربهرداری از آن مورد تاکید بودند. مشخصه اصلی و عمده عصر کنونی، محوریت یافتن علم و تولید و بهکارگیری آن می باشد. تلاش برای تولید و توسعه علم با توانمندی و قدرتمندی کشورها در حوزه ها و عرصه های مختلف پیوند خورده و میزان و نحوه بهره مندی از علم از موضوعات و چالش های بسیار اساسی دولت ها محسوب می شود. بنابراین آینده کشورها و توسعه یافتگی آنها با تولید علم و بهره مندی آن، کاملاً مرتبط است و برتری کشورها نسبت به هم به علم و نتایج و کاربردهای آن بستگی دارد (معمار، ۱۳۸۳).

علوم اجتماعی در ایران با استناد به میزان کمی انتشارات، به کمکاری و عدم هماهنگی با جریان پرشتاب تولید و انتشار علم متهم شده است. مسئله اصلی نوشتار حاضر این است که این اتهام با توجه به داده های عینی و بی طرفانه تا چه حد متوجه علوم اجتماعی

در ایران است؟ با توجه به ادبیات جامعه شناسی علم، انتشار از سویی ذخیره انواع سرمایه را غنی می کند و از سوی دیگر، ابزاری برای منازعه رقابتی در میدان علم و اثبات شایستگی علمی است؛ این فرآیند بخش مهمی از نظام پاداش دهی در اجتماع های علمی و اسباب تعامل علمی دانشمندان و معرف هنجار اجتماع گرایی است. از همه مهمتر میزان کمی و کیفی انتشارات علمی، نشان دهنده رشد علم در هر زمینه و شاخه از علوم بشری است. به لحاظ این که علم یک اندامواره زنده است و «زندگی علم» شباهت های بسیاری با زندگی طبیعی دارد، نظریه «زیست بوم شناختی علم» می تواند استعاره ها و مفاهیم قوی برای توضیح رشد علم را در اختیار محققان قرار دهد (ذاکر صالحی، ۱۳۸۹).

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر از آنجا آشکار می شود که تولید علم در حوزه های اجتماعی و آموزشی، اگر از تولید علم در حوزه های اقتصادی بیشتر نباشد کمتر نیست. علم تربیت و روانشناسی از زیربنایی ترین علوم انسانی است، زیرا طبیعت افراد اندیشمند و متفکر که دغدغه اصلی آنها بهزیستی بشر باشد از عهده هیچ علم دیگری بر نمی آید. میزان روحیه علمی و پژوهشی افراد به زمینه های تجربی و اجتماعی آن جامعه بر می گردد (قانعی راد، ۱۳۷۹).

اگر بنیان های آموزشی و تربیتی یک جامعه بر محور تربیت افراد جستجوگر خلاق آینده نگر و مولد باشد و زمینه های پژوهشی و برش آنها را پدید آورد، آن جامعه از نظر مادی و معنوی توسعه یافته خواهد بود. بنابراین بررسی عوامل تاثیرگذار بر تولید علوم تربیتی و روانشناسی و عمل به آن می تواند سهم عمده های در تحقق اهداف چشم انداز ۲۰ ساله و توسعه کشور داشته باشد. برای مثال آموزش و پرورش کشور میتواند برنامه هایی را برای تربیت نیروی انسانی دارای قدرت تفکر ابتکار و خلاقیت تجزیه و تحلیل مسائل انعطاف پذیر بودن و منظم بودن و درستکار و امین بودن تدوین و به اجرا درآورد (همان).

امروزه در جهان درباره جنبه های روانشناختی و جامعه شناختی دانشمندان و افرادی که تولیدکننده علم هستند، مطالعات زیادی صورت گرفته است (مهدی دهقانی، ۱۳۸۶).

ویژگی های دانشمندان، احساسات و ارتباطات آنها را مورد بررسی قرار داده است. آنها به این نتیجه رسیدند که تنها افرادی موفق به تولید علم می شوند که دارای خطای ویژه معنوی، اخلاقی و شخصیتی باشد و صرفاً اندوختن اطلاعات و گذراندن دوره های آموزشی تخصصی برای دانشمند و مولد بودند کافی نیست (موسوی موحدی، ۱۳۸۳).

بنابراین نظام آموزشی می تواند در پیدایش و درونی سازی این خطاها در فراگیران و ایجاد زمینه های پرورش انسان های تولید کننده علم بسیار موثر باشد. اهمیت و ضرورت اجرای پژوهش حاضر از این جهت است که میتوان با شفاف سازی و تشخیص علمی و منطقی عوامل موثر بر تولید دانش در رشته های تربیتی و روان شناختی زیرساخت های لازم را برای احراز جایگاه ی به عنوان مولد علم در این رشته ها را برای کشور کسب کند (مهدی دهقانی، ۱۳۸۶).

اهداف تحقیق

نقش رشته های علمی علوم تربیتی و روانشناسی در تولید علم هدف اصلی این پژوهش می باشد.

علم

علم به معنای مطالعه و بررسی منظم بدنه دانش حقایقی که در تقابل با مجهولات است می باشد که به واسطه روش علمی درباره پدیده های طبیعی به دست می آید (مهدی دهقانی، ۱۳۸۶). علم در این پژوهش، معادل دانش فرض شده و فرآورده های است که به واسطه پژوهش منظم به دست می آید.

دو دیدگاه کلی درباره علم وجود دارد: (هاشمی)

علم مطالعه ای سازمان دهی دانش است تا به دست آوردن دانش جدید، توضیح دادن پدیده ها و پیش بینی رفتارها را فراهم سازد. این فرایند از طریق مشاهده، تجربه، آزمایش و استدلال انجام می شود و به دنبال درک بهتر از دنیای اطراف ما می باشد.

علم به معنای عام: به معنی دانستن در برابر ندانستن است که به همه دانستنی ها و اولین کسی است که جاهل نیست. مطابق این معنا، اخلاق، ریاضیات، دستور زبان، مذهب، زیست شناسی، و نجوم همه از نو علم هستند.

علم به معنای خاص: علم منحصرأ به دانستنی ها اطلاق می شود که بر تجربه مستقیم حسی مبتنی می باشند و از طریق روش های تجربه قابل اثبات است. علم در اینجا در برابر جهل قرار نمی گیرد و بلکه در برابر همه دانستنی ها قرار می گیرد تا زمان پذیر نیستند؛ طبق این نظریه اخلاق، متافیزیک، عرفان، منطق، فقه و اصول علمی نیستند.

تجربه پذیری عمومی و همگانی: تجربه و تکرار آن توسط افراد متعددی امکان پذیر باشد. منظور از همگان عموم نیست، بلکه افرادی که آن را دارند تا بتوانند فرضیه را آزمون کنند. پدیده های که مورد کاوش تجربی قرار میگیرد، باید چنان باشد که همه بتوانند در آزمودن آن شرکت کنند و هر کس با تحصیل شرایط خاص بتواند به آسانی آن را تجربه کند؛ معنای عینی بودن در علم به معنای تجربه پذیری همگانی است.

فرضیه پذیری و فرضیه سازی تجربی: محقق همیشه به دنبال فرضیه ای است که شخص در ذهن دارد. تجربه ها و استقرایا، همیشه برای امتحان تئوری های ذهنی انجام می پذیرد. ذهن خالی به دنبال نمی رود؛ برای کاوش علمی باید سوال مطرح شود. نقش فرضیه ها در علوم این است که میدان را روشن کنند. فرضیه ها، جهان بینی علمی هر زمان را میسازند و به کاوشگران زاویه دید می دهند. بر اساس آن آنها، چارچوب تحقیق را معلوم می کند و کاوش آنها را رهبری می کند. علم خاصیت گزینشی دارد و جنبه کلیگویی ندارد و باید در محدودهای که توسط فرضیه ها تعیین می شود، آزمایش و بررسی گردند؛ بنابراین فرضیه ها راه و مسیر را تعیین می کنند.

نیازمند به تئوری یا نظریه: تفسیرهای علمی همواره در سایه تئوری ها و قانون های علمی صورت می گیرد. بدون داشتن یک تئوری، نمی توان از پدیده های تفسیر داد. تفسیرهای علمی، مرهون تئوری ها و قانون های علمی اند و قانون ها و تئوری های علمی نیز برای اینکه علمی باشند، باید تجربه پذیر باشند و برای تجربه پذیر بودن، هم باید تکرار پذیر باشند.

دارای ویژگی های پایداری و توانایی پیش بینی باشد: آنچه که گوهر تلقی اعصار مختلف از معرفت علمی است این است که معرفت علمی، معرفتی اثبات شده است. نظریه های علمی به شیوه دقیق از یافته های تجربی که با مشاهده و آزمایش به دست آمدن اخذ

می شود. بر آنچه میتوان دید و شنید لمس کرد، امثال اینها بنا نهاده شده است. عقاید و سلیقه های شخصی و تخیلات زندگی، جای در علم ندارد. دیدگاه فوق، ابتدا در جریان و در نتیجه انقلاب علمی در قرن هفدهم و توسط دانشمندان بزرگی چون گالیله و نیوتن رخداد عمومیت یافت. فرانسویس بیکن و از برخی از معاصران وی که می گفتند اگر بخواهیم طبیعت را بشناسیم باید به خود طبیعت رجوع کنیم و نوشته های ارسطو؛ بینش علمی و نگرش علمی عصر خود را بیان می کردند. در بستر همین دیدگاه است که در کتاب خود با عنوان روش علمی عنوان میکند که علم نظامی است که بر واقعیات بنا نهاده شده است.

به طور کلی علم به دو معنای متفاوت به کار میرود:

در معنای اول، منظور از علم و آگاهی و در معنای دوم، به دانستنی های اطلاق می شود که تجربه مستقیم حسی در داوری یا گردآوری شان دخیل بوده است. در اینجا علم باید آزمون پذیر باشد؛ قرن نوزدهم، غرور علم تجربی بود و پوزیتیویسم در دامنه چنین قرنی پرورش یافت. اندیشه بنیادین این مکتب این بود که باشد جذب دانش تجربی را به دانشجو دیگری ندارد برتاند . راسل به سخنگوی این مکتب در قرن بیستم است؛ میگوید: « اگر از چیزی آگاهی تجربی نتوان داشت، از آن هیچ آگاهی نتوان داشت.» به سخن دیگر، ایشان بخشی از علم را معادل همه علم گرفتند؛ به هر چه را در قلمرو علم تجربی نگنجد، در زمره مجهولات آوردهاند. چنین بود که لقب علمی تولد یافت. از این پس واژه علمی معادل درست بود و غیرعلمی معادل نادرست و جانشین بت پرستی دوران کهن شده است. باید به هوش باشیم که ناآگاهانه معادل علمی برابر درست را در ذهن خود پرورش دهیم و علم در برابر جهل. معادل علم در برابر دانستنیهای تجربه قلمداد نکنیم. به عبارت دیگر هرچه درست است، لزوماً علمی نیست و حتی غیر علمی است لزوماً نادرست نیست (همان).

تولید علم: فرآوردهای حاصل از پژوهش دقیق و به کارگیری متدولوژی منظم و سازمان یافته در مطالعات مربوط به دانشبشری است که پس از داوری دقیق در پایگاههای اطلاعات علمی به چاپ و مورد استناد قرار میگیرد (مهدی دهقانی، ۱۳۸۶).

تولیدات علمی ایران مجموعه در قالب مدارکی شامل مقاله، نقد و بررسی مقاله، نقد کتاب و تجدید چاپ می باشد (توتونچی، ۱۳۸۴). تولیدات علمی در این تحقیق، شامل طرح های پژوهشی، تالیف یا ترجمه کتاب، مقاله های علمی و پژوهشی، مقاله های علمی ترویجی و مقاله های چاپ شده در مجموعه مقالات همایش ها می باشد (مهدی دهقانی، ۱۳۸۶).

تولید علم

چنانچه علم را به معنی وسیع کلمه یعنی برخورد آگاهانه انسان با طبیعت و واکنش معقول وی نسبت به آن در نظر بگیریم؛ باید بگوییم که اندیشه علمی در ایران ریشه هایی بس کهن دارد. علم به مفهوم شناخت پدیده های طبیعت از ابتدا با فن یعنی فعالیت های بشر در جهت رفع نیازهای مادی و روانی اش در هم آمیخته بوده است (فرشاد، ۱۳۶۵).

علم مطالعه و بررسی منظم بدنه دانش هایی که در تقابل با مجهولات است می باشد که به واسطه روش علمی درباره پدیده های طبیعی به دست می آید. برخی دیگر از تعاریف علم به قرار زیر است:

۱- بر اساس فرهنگ لغت وبستر (۱۸۲۸) علم در اصطلاح کلی دانش قطعی است. این دانش از طریق فهم و ادراک حقیقت و واقعیتها در ذهن به دست می آید.

۲- علم مطالعه و بررسی ماهیت و رفتار چیزهای طبیعی و دانشی است که ما از آنها به دست می آوریم.

۳- علم طبیعی بررسی و مطالعه منظم مجموعه‌های از دانش در حوزه‌هایی مانند: فیزیک، شیمی و زیستشناسی است که در ارتباط با ماده و انرژی و دیگر پدیده‌های قابل اندازه‌گیری است (مهدی دهقانی، ۱۳۸۶).

علم واژه‌آشنایی است که هر کس آن را به گونه‌ای مورد استفاده قرار می دهد. علم برای بعضی همان ریاضیات است؛ برای برخی دیگر روپوش سفید آزمایشگاهی است. گروهی آن را با تکنولوژی یکی می شمارند و عده‌ای آن را معادل رشته‌های مشکل دبیرستانی و دانشگاهی می‌پندارد. البته علم هیچکدام از این تصورات نیست، بلکه مجموعه فعالیت های منظم و منسجمی است که به کمک آن واقعیت های جهان خارج که در کنار هم نهاده می شوند. اساساً هدف تمام علوم، شناسایی دنیای اطراف آدمی و توصیف کشف نظم و صورتبندی نظریه ها و قوانین (دلور، ۱۳۷۴).

تولید علم به معنای ایجاد دانش جدید، تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلف است. این شامل انجام آزمایشات، ارزیابی داده‌ها، ارائه نظریه‌های جدید و انجام مطالعاتی برای به دست آوردن دانش بیشتر می‌شود. تولید علم معمولاً از طریق دانشمندان، محققان و افرادی که در زمینه‌های مختلف تحصیل کرده‌اند و درگیر فعالیت‌های پژوهشی هستند، انجام می‌شود.

درصدهای معاصر، علم به مفهوم حسی و تجربی آن مقامی والا یافته بود و با تکیه بر تجربه و حس بر همه معارف بشری که شلر آن را به علم دین و فلسفه تقسیم بندی می کند، حکمرانی می کرد. معیار درست یا نادرست بودن همه چیز و حتی دیگر شاخه های معرفت بشری نیز در صورت معنی دار به حساب می آمدند که در قلمرو علم به رسمیت شناخته شده باشند. در این دوره اعلم بودن علوم اجتماعی و علوم تربیتی نیز به دلیل سروکار داشتن آنها با هنجارها و مسائل فرهنگی و اجتماعی محل تردید قرار گرفته بود. اما این تلقی از علم در پی انتقادهای جدی به آن به ویژه پس از رشد مطالعات فلسفی علم و جامعه شناختی علم به هم ریخت و نه تنها علم از انحصار تجربه حس خارج شد؛ بلکه استقلال خود را به عنوان یک شاخه معرفت متمایز از دیگر انواع معرفت بشری از دست داده است و وابستگی آن به حوزه های دیگر معرفت و داد و ستد اجتناب ناپذیر با آنها مورد توجه قرار گرفته است. همچنین تابعیت مرز علم، کمی از منطق درونی خود مردود اعلام شده و تاثیر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بر آن پذیرفته شده است (الویری، ۱۳۸۳).

در سال های اخیر یکی از داغترین مباحث مربوط به غرب و منظره علمی رشته هایی بوده است که تحت عنوان علوم انسانی گرد آمدند. این رشته ها عبارتند از: روانشناسی، جامعه شناسی، علوم تربیتی، علوم سیاسی، جغرافیا و تاریخ و رشته های ترکیبی و تخصصی. اساساً مطالب مورد بحث این است که آیا رفتار انسان را می توان به صورت علمی مورد پژوهش قرار داد؟ مخالفت با ایده های علوم انسانی هم از درون و هم از بیرون رشته هایی که مربوط به این علم هستند برخاسته است. علوم انسانی از درون دستخوش تجدید جهت یابی و در مواردی تجدید نامگذاری شده اند (دلور، ۱۳۷۴).

حرکت اخیر علوم انسانی، نمایانگر تاکید بیشتر بر توضیح و تبیین منظم پدیده های انسانی است. در صورتی که در گذشته تاکید بر توصیف بود. کاملاً قابل درک است که کارشناسان با تجربه و کسانی که بیشتر به روش های سنتی در علوم انسانی علاقه مند هستند؛ با روندها و جهت یابی های نو به مخالفت برخاستند. در خارج از حوزه علوم انسانی نیز مخالفت های مشابهی از جانب دانشمندان فیزیک و شیمی و زیست شناسی به عمل آمده است. گاهی دانشمندان فیزیک با عنایت به تصور سنتی از علم اظهار میدارند که روش علمی را نمی توان در مورد رفتارهای انسانی به کاربرد. بیشترین مخالفت ها از پذیرش تصور سنتی از علم و عدم درک منطق علم در عمل ناشی می شود. در موارد بسیاری از علمای علوم انسانی کوشیدند از طریق روش هایی که حتی به کار علمای فیزیک نیز به کار نمی آید، به درک پدیده مورد نظر خود نائل شود. این کار موجب برانگیخته شدن و تمسخر دانشمندان فیزیک و همکاران و حتی مردم عادی شده است. یکی از ترکیب های اساسی این است که رفتارهای انسان را می توان همانند اتم و سلول مورد مطالعه علمی قرارداد. با این دید، هیچ تفاوت قابل ملاحظه ای بین علوم فیزیکی و انسانی وجود ندارد. دانشمندان علوم انسانی نیز همچون علمای علم فیزیک در صدد کشف نظم و قواعد هستند. آنها این کار را از طریق مشاهده، اندازه گیری دقیق، کشف روابط، تدوین و تنظیم مدل ها و نظریه ها انجام می دهند (همان).

اکنون فیلسوفان و جامعه شناسان علم برای تبیین چرایی علم به حضور تعیین کننده و فراگیر گزاره های غیر علمی در ساختار دانش علمی توجه می کنند. در حال حاضر، نه تنها علم محصول انحصاری عالمان به حساب نمی آید، بلکه نقش فرهنگ و جامعه در این محصول مورد توجه قرار گرفته و حتی با اشاره به نوعی احیای مذهبی نشانه هایی از نزدیک شدن به تلقی تاریخی و سنتی از چرایی علم به شکل تجلی خدا به چشم می خورد (الویری، ۱۳۸۳).

نگاه صدهای اخیر به چرایی علم ناکارآمدی خود را نشان داده است و اندیشه ورزان نیز در کنار نقد جدی آن به جایگزین کردن تعریفی جدید از علم گرایش دارند که همه شاخه های معرفت بشری را در بر بگیرد و ثانیاً نقش هنجارهای اجتماعی و فرهنگی را در تولید علم نادیده نگیرد و ثالثاً نقش تعیین کننده مبانی متافیزیکی را مورد توجه قرار دهد.

بنابراین ضرورت طرح شناسایی عوامل موثر بر تولید علم و دانش در علوم انسانی به ویژه در علوم تربیتی و روانشناسی از نگاه جدیدی که به علم شده است نمی توان رد شود؛ زیرا علوم انسانی مانند سایر علوم دارای روش های علمی، نظریه ها و مدل هایی است که در صدد است، رفتار پیچیده انسان را توصیف، پیش بینی و تبیین کند (مهدی دهقانی، ۱۳۸۶). متناسب سازی تولید علم با نیازهای بخش های مختلف هر کشوری از خصوصیات جهان امروز است که می تواند به پایداری آن کشور منجر شود (شاه ولی و همکاران، ۱۳۹۳).

شناسایی و تقویت زمینه های رشد تولیدات علمی در علوم انسانی و بستر لازم برای تحقق یکی از اهداف سند چشم انداز بیست ساله یعنی توسعه انسانی را فراهم می کند؛ علاوه بر این، با توجه به اینکه میزان تولیدات علمی در علوم انسانی نسبت به سایر علوم در سال های اخیر از رشد کمی برخوردار بوده و شناسایی و تقویت عوامل موثر بر تولید دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، زمینه های لازم را برای افزایش میزان تولیدات علمی را فراهم می کند (مهدی دهقانی، ۱۳۸۶).

نقش رشته های علمی علوم تربیتی و روانشناسی در تولید علم

علوم تربیتی (Education) از رشته های علوم انسانی است که به جنبه های آموزش و پرورش آدمی و دانش های مربوط به آن می پردازد. درباره مفهوم «آموزش و پرورش» باید در نظر داشت که «آموزش و پرورش» منحصر به افراد، زمان و مکان خاصی نیست. یعنی به طور مشخص «آموزش و پرورش» منحصر به مدرسه، دانشگاه یا آموزش دروس خاصی نیست، بلکه «آموزش و پرورش» برای همه، و در هر زمانی و هر مکانی است. آموزش عمومی، آموزش عالی، آموزش کارکنان، سوادآموزی بزرگسالان، خودآموزی، آموزش الکترونیکی و مجازی از انواع آموزش محسوب می شوند. رشته علوم تربیتی از رشته های گروه علوم انسانی است که به مسائلی از جمله انسان و جنبه های آموزش و پرورش در او می پردازد و این رشته با دروسی نظیر فلسفه، روانشناسی، جامعه شناسی، آمار، اقتصاد و مدیریت سروکار دارد. در رابطه با گرایش های رشته علوم تربیتی در مقاطع مختلف لازم است بدانید که رشته علوم تربیتی در مقطع کارشناسی شامل پنج گرایش تکنولوژی آموزشی، راهنمایی و مشاوره، آموزش پیش دبستانی و دبستانی، مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی (و در مقطع کارشناسی ارشد نیز گرایش هایی نظیر برنامه ریزی آموزشی، آموزش و پرورش تطبیقی، برنامه ریزی درسی، تحقیقات آموزشی، آموزش و پرورش استثنایی، روانشناسی تربیتی، آموزش بزرگسالان، مشاوره و راهنمایی، آموزش و بهسازی منابع انسانی، تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، تکنولوژی آموزشی، مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی، سنجش و اندازه گیری در آموزش و پرورش را در برمی گیرد. (WWW.BEYTOOTE.COM)

رشته علوم تربیتی و روانشناسی نقش مهمی در تولید علم ایفا می کند. این رشته ها از جنبه های مختلف به بررسی علم و باورهای علمی می پردازند و در توسعه مطالعات میان رشته ای نقش اساسی دارند. مطالعات میان رشته ای می تواند در رشد و توسعه تمامی علوم، به ویژه علوم انسانی، تأثیرگذار باشد. علاوه بر این، روانشناسی به عنوان علمی که در پی سنجش، توجیه، و بررسی علت و تغییر رفتار انسانی می باشد، نقش مهمی در تولید علم و درک بهتر از رفتارهای انسانی دارد. از این رو، رشته های علوم تربیتی و روانشناسی از جمله علوم مهمی هستند که در تولید علم و توسعه دانش تأثیرگذار هستند.

رشته های علمی مانند علوم تربیتی و روانشناسی نقش مهمی در تولید علم دارند. علوم تربیتی با بررسی فرایندهای آموزش و یادگیری و ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش، می توانند با ارائه روش ها و استراتژی های بهتر برای یادگیری، به تولید علم کمک کنند. از سوی دیگر، روانشناسی با مطالعه رفتار انسان و فرایندهای ذهنی، می تواند به بررسی عوامل روانی و اجتماعی در فرایند تولید علم کمک کند. این دو رشته می توانند اطلاعات مفیدی ارائه دهند که در تحقیقات علمی و تولید دانش جدید مورد استفاده قرار گیرد.

نقش رشته های علمی علوم تربیتی و روانشناسی در تولید دانش محقق آن است که رشته های علوم انسانی حداقل به سه طریق بر تولید دانش در حوزه های مختلف علمی و در حوزه معرفتی مربوط به خودشان تأثیر می گذارند. این سه طریق عبارتند از (دهقانی ۱۳۸۵):

۱. رشته های علوم تربیتی و روانشناسی بر فرهنگ تولید و مصرف دانش تأثیر می گذارد.

همان طور که گفته شد؛ دانش اطلاعات معناداری است که در اثر تعامل با واقعیتهای دریافتی با تفکر بشر خلق میشود در فرایند خلق دانش یک فرد، لازم است مهارتهایی را کسب کند، از جمله مهارتهای پایه برای تولید دانش، مهارت حل مسئله، مهارت تفکر منطقی استقرایی قیاسی، روش تحقیق و مهارت استفاده از ابزار توزیعی دانش است. این مهارتها یا از طریق تجربه و یا از طریق آموزش کسب میشوند. رشته های علوم تربیتی و روانشناسی در بخشی از برنامه های درسی به آموزش این مهارتها می پردازند و

دانشجویان به طور مستقیم با این مهارت ها آشنا می شوند. با توجه به تعریف دانشجو یک فرد باید اطلاعات معنی داری ناشی از واقعیت ها را با تحلیل، تفکر فردی و یا گروهی به محصولی جدید تبدیل کند.

در این فرآیند سه عملیات: دریافت اطلاعات، تحلیل اطلاعات، استنتاج نتایج جدید انجام می گیرد. هر کدام از این عملیات ها، به فرهنگ و مهارت خاصی نیاز دارد. در دریافت اطلاعات لازم است فرد محقق با مهارت های اطلاع یابی و جمع آوری اطلاعات آشنایی کافی داشته باشد. مهارت هایی که از طریق رشته های کتابداری و دروس روش تحقیق آموخته می شود. در مرحله بعد یعنی تحلیل اطلاعات فرد محقق در برخورد با بانک اطلاعات سازمان یافته و غیر سازمان یافته مواجه می شود. در این مرحله داشتن ذهنی منبسط که بتواند اطلاعات کلی و جزئی را طبقه بندی کند و سپس به تحلیل و ترکیب و آفرینش دانشکده بپردازد مهمترین مهارت و توان فرد را در تولید دانش نشان می دهد. رشته های علوم تربیتی و روانشناسی با ارائه نظریه های علمی، خواهان توسعه ذهنی و فکری افراد است تا بتوانند به طور صحیح، اطلاعات دریافتی را مورد قضاوت و ارزیابی قرار دهند و سپس خود، دانش جدیدی تولید کنند. در مرحله دریافت اطلاعات و دانش موجود، فرد به عنوان مصرف کننده دانش تلقی می شود. اما توقف در این مرحله برابر با فراموشی و عدم کارایی دانش فرا گرفته است تا زمانی که دانش موجود تحلیل نشود؛ دانش جدیدی تولید نخواهد شد. فرهنگ تولید و مصرف دانش به همین نکته اشاره دارد، یعنی برقراری ارتباط بین چگونه دانش دریافت کردن و چگونه دانش تولید کردن.

۲. متخصصان رشته های علوم تربیتی و روانشناسی با استفاده از نظریه های علمی، تربیتی، آموزشی، سازمانی و شخصیتی درصددند ظرفیت شخصیتی روانی و اجتماعی افراد و گروه ها را توسعه دهند.

با افزایش کیفیت و اثربخشی فرایندهای یاددهی یادگیری و و محیط های آموزشی مقاطع ابتدایی دانش آموزان می توانند استعدادهای بالقوه خود را در شرایط مناسب بروز دهند؛ در نتیجه با فراهم شدن زمینه برای بروز خلاقیت ها در آینده، شاهد نسلی نوآور، مولد، خلاق و مسئولیت پذیر خواهیم بود. فراهم کردن زمینه سالم آموزشی و پرورشی برعهده رشته های علمی علوم تربیتی و روانشناسی است. بخشی از این زمینه ها از طریق تربیت معلم، روانشناس، مشاور و کتابدار شایسته، برنامه درسی اثربخش فضای آموزشی مطابق با استاندارد و تحقیقات آموزشی حاصل می شود.

۳. رشته های علوم تربیتی و روانشناسی، بر فرهنگ جامعه برای مشارکت همه افراد در تولید دانش اثر می گذارند.

در این رشته ها، توجه به مباحث تخصصی از قبیل برابری فرصتهای آموزشی، تربیت نیروهای انسانی متخصص در آموزش و پرورش، یادگیری مادام العمر، جامعه دانش، مدیریت و رهبری مشارکتی در آموزش، نیازسنجی و ارزشیابی آموزشی، کاربرد ICT در فرآیند آموزش و یادگیری یادگیری مهارتهای ارتباطی و تدوین چشم اندازهای بلند مدت آموزشی با مشارکت یاران آموزشی، نشان دهنده افزایش مشارکت مردم برای اعمال نظر در مسائل آموزشی و پرورشی است.

با افزایش سطح سواد جامعه مشارکت مردم در مسائل اجتماعی اقتصادی و آموزشی افزایش خواهد یافت و برقراری فرصت های برابر آموزشی ایجاد زمینه های یادگیری مادام العمر در افراد جامعه و مشارکت دادن نظرات و پیشنهادات مردم در تصمیم گیری

های آموزشی و زمینه تحرک و پویایی ذهنی اقشار مختلف جامعه را به همراه می آورند و آنها را به مشکلات جامعه حساس خواهد کرد. بنابراین افزایش این حساسیت ها، باعث جلب توجه افکار عمومی و ایده هایی نو می شود.

فناوری، کاربرست دانش جدید است. اگر از یک اختراع و اکتشاف علمی آغاز می شود به واسطه علمی، توان پدیده های عینی و انتزاعی جهان را تفسیر و تبیین کرد و سپس از این دستاوردهای علمی برای رفع نیازهای بشر استفاده نمود؛ از نظر هدف، علم و فناوری با هم تفاوت دارند. هدف علم، شناخت ماهیت جهان است و هدف فناوری برطرف ساختن نیازهای انسانی است (لوئیس، ۲۰۰۶).

برای تبدیل دانش به فناوری، عامل انسانی نقش تعیین کننده دارد. اقدام به تولید علم و فناوری نظام آموزشی به آموزش و پرورش است که استعدادها را لازم برای ورود به عرصه فناوری در گرو آموزش و پرورش علمی است. چه بسا استعدادهایی که به دلیل نبود امکانات و بسترهای مناسب آموزشی ابتر مانده و نتوانست به بار بنشینند. معلمان و متعهد به آموزش و پرورش وظیفه شناخت و هدایت استعدادهای دانش آموزان را به عهده دارد. تربیت چنین معلمی بر عهده رشته هایی چون علوم تربیتی و روانشناسی است از طرفی دیگر برنامه های درسی دانشجویان می توانند فرصت هایی را برای بروز خلاقیت ها و توانمندی های خدادادی ایجاد کنند. رشد کمی و کیفی تولیدات علمی در جامعه به طور طبیعی تقاضا برای فناوری را افزایش می دهد. تغییرات منظم در علم منجر به افزایش تقاضای فناوری در جامعه می شود. از طرفی فناوری می تواند زمینه های برای ارتقای سواد فنی و علمی دانش آموزان باشد. بنابراین موسسات علمی و تحقیقاتی، با افزایش تولیدات علمی زمینه را برای توسعه فناوری در کشور فراهم می کنند. نکته اساسی این است که توسعه علم و فناوری با رشد نامتوازن علوم فنی و انسانی ناقص خواهد بود. اهمیت و توجه به تولید علم و دانش در هر دو شاخه معرفتی، شرط اساسی برای تحقق اهداف خواهد بود (مهدی دهقانی، ۱۳۸۶).

تولید علم بومی، حاصل فرایندی است که در آن مسائل بومی، بنیان فعالیت های علمی را پیریزی می نماید. شناخت مسائل بومی در این رویکرد، اولین قدم در ساخت تولید علم بومی است. علاوه بر شناخت مسائل بومی، گردآوری داده ها و اطلاعات معتبر، به علاوه فرضیه سازی بر اساس ذهنیت های مستعد، فراهم کننده زمینه برای تحلیل مناسب و نظریه پردازی بومی است (فاضل، ۱۳۹۱). نکته ایست که باید در تولید علم در رشته های علوم تربیتی و مشاوره بدان توجه شود.

نتیجه گیری

دانشمندان علوم تربیتی و روانشناسی با مطالعه نظریات و داده های علمی جدید و با بررسی مدل ها و نظریه های موجود علمی این دو رشته مبنای زیرساختی لازم برای تربیت و پرورش انسان های متخصص و آگاه را برای اداره سازمان های آموزشی و غیر آموزشی کشور در آینده فراهم می کنند. زیرا سرمایه انسانی هر کشور، مهمترین و ضروری ترین وسیله، برای توسعه و آبادانی آن کشور در آیندهای نزدیک می باشد.

طبق یافته های پژوهش، نقش رشته های علمی علوم تربیتی و روانشناسی در تولید دانش به سه طریق قابل بررسی است. این سه طریق عبارتند از:

1. تاثیر بر فرهنگ تولید و مصرف دانش
 ۲. توسعه ظرفیت شخصیتی روانی و اجتماعی افراد و گروه ها توسط متخصصان رشته های فوق.
 ۳. تاثیر بر فرهنگ جامعه برای مشارکت همه افراد در تولید دانش.
- بنابراین برای حرکت از وضع موجود فعلی تولید دانش در رشته های علوم تربیتی و روانشناسی و رسیدن به وضع مطلوب آن لزوم تدوین راهبردهای بلندمدت و برنامه ریزی های گسترده در این راستا ضروری است.

منبع

۱. توتونچی، جلیل. 1384. موانع بازدارنده فعالیت های پژوهشی در دانشگاه های کشور. مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللیس نهضت تولید علم، جنبش نرم افزاری و آزاد اندیشی، جلد اول. تهران. صفحه 145.
۲. حسینی، س و همکاران. 1387. آموزش معماری پایدار در ایران. مجله فن آوری و آموزش. تهران. ص 231_221
۳. دانش، فرشد، رشیدی، ورا. میرزایی، منصور. 1392. (ردپای جهانی شدن بر شاخص های تولید علم و فن آوری. مجله پژوهشنامه کتابداری و اطلاع رسانی. سال سوم. بهار و تابستان. شماره 1
۴. دلاور، علی. 1374. مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی اجتماعی، تهران. انتشارات رشد.
۵. دهقانی، مهدی. 1386. بررسی عوامل موثر بر تولید دانش در رشته های علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره و کتابداری به منظور تحقق چشم انداز بیست ساله ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی آموزشی. دانشگاه اصفهان.
۶. دهقانی، هدی. 1385. (ارتباط تمدن سازی دینی با نهضت تولید علم. همایش بین المللی آموزش و پرورش و توسعه. اصفهان. دانشگاه اصفهان.
۷. ذاکر صالحی، غلامرضا. 1389. وضعیت تولید انتشار کتاب های علوم اجتماعی در ایران براساس الگوهای علم سنجی. مجله جامعه شناسی ایران. سال یازدهم. پاییز. شماره 3
۸. شاه ولی، منصور. کرمی، شبیر. 1393. بررسی الگوی متعالی آموزش روش تحقیق برای توسعه پایدار با روش ترکیبی. مجله روش شناسی علوم انسانی. سال 20. تابستان. شماره 79
۹. صادقی، فواد. جمشیدی، مریم. کلانتری، سید عمار. 1391. چالش نظریه پردازی و علم افزایی در تولیدات علمی ایران. مجله فلسفه علم. سال دوم. پاییز و زمستان. شماره 2
۱۰. عمل نیک. مرتضی. 1383. (نقد و ارزیابی توسعه و دانش و فن آوری در ایران. کنفرانس توسعه دانش و فن آوری. تهران. دانشگاه صنعتی شریف.
۱۱. فاضل، سید طه. 1391. (سازمان های اطلاعاتی و تولید علم بومی. مجله مطالعات راهبردی. سال پانزدهم. تابستان. شماره 2
۱۲. فرشاد، مهدی. 1365. تاریخ علم در ایران. تهران. انتشارات امیر کبیر.
۱۳. قانع راد، محمد امین. 1379. (جامعه شناسی رشد و افول علم در ایران. تهران. انتشارات مدینه.
۱۴. گدازگر، حسین. علی زاده اقدم، محمد باقر. 1385. مطالعه عوامل موثر بر تولید علم در بین اعضای هیات علمی دانشگاه ها. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. 1385. شماره 8
۱۵. معمار، ثریا. 1383. (بررسی جامعه شناختی موانع توسعه علمی در ایران. رساله دکترای جامع شناسی. اصفهان. دانشگاه اصفهان.
۱۶. موسوی موحدی، علی اکبر. 1383. (تولید علم اولیت اساسی کشور. فصلنامه رهیافت. شماره 30. ص 50
۱۷. میرحسینی، زهره. وهابی، فتنه. 1390. (بررسی تولیدات علمی اعضای هیات علمی دانشکده های دارو سازی تیپ یک کشور در رپایگاه موسسه اطلاعات علمی. مجله مدیریت اطلاعات لامت. دوره 8. مرداد و شهریور. شماره 3
۱۸. الویری، محسن. 1383. (رسالت آموزش عالی. جلد اول. تهران. وزارت علوم. تحقیقات و فن آوری. مندرج در دایره المعارف آموزش عالی.
۱۹. هاشمی، عباس. مقدمه ای بر فلسفه علم. دانشگاه اصفهان



The role of educational sciences and psychology in the production of science

Ovis Nazari Katuli

Bachelor's degree in administrative affairs and human resources management, employee of Farhangian University of Golestan province

Fateme jafarialostani

Education teacher of Ali Abad Katul city

Abstract

In today's era, attention to the production and consumption of science, as a result of the increasing development of society through scientific research, is becoming more important every day. Research on the factors affecting the production of science can help the governments to design structured development programs at the macro level, the way to achieve the sustainable development of the country. Certainly, the production of science in the fields of educational sciences and psychology is considered as the value of the remaining scientific productions. Identifying the role of educational sciences and psychology in the production of science is the main goal of this research. Therefore, this research was formed to achieve this goal and with the method of data collection by using study resources, including international and domestic valid articles with a promotional approach and with practical goals. From the findings of this research, it was concluded that the fields of educational sciences and psychology in three ways (impact on the culture of knowledge production and consumption, impact on the culture of society for the participation of all people in the production of knowledge and the development of the psychological and social personality capacity of individuals and groups by specialists in the field The above)) play a role in the production of science. Finally, in order to move from the current situation of knowledge production in the fields of educational sciences and psychology and to reach the desired situation, it requires the formulation of long-term strategies and extensive planning in this direction.

Keywords: Science, production of science. Educational sciences, psychology